سایه روشن

هشدار شمخانی نسبت به تداوم حملات اسرائیل به سوریه

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان این‌که ایران از هیچ کمك و مشورتی در دوران بازسازی سوریه مضایقه نمی‌کند، به رژیم صهیونیستی درباره ادامه تجاوزگری به خاك سوریه هشدار داد. علی شمخانی در دیدار ولید المعلم، وزیر خارجه سوریه افزود: همکاری ایران و سوریه برای مبارزه با تروریسم تکفیری دستاوردهای غیرقابل انکاری برای منطقه و امنیت بین‌المللی به دنبال داشته و این روند تا پایان یافتن بحران امنیتی در این کشور ادامه خواهد داشت. شمخانی ادامه تجاوزگری رژیم صهیونیستی به خاك سوریه و اقدام علیه ارتش و نیروهای مقاومت و همچنین نقض تمامیت ارضی این کشور را غیر قابل قبول عنوان کرد و گفت: در صورت تداوم این اقدامات، تدابیر پیش‌بینی شده برای بازدارندگی و پاسخ قاطع و متناسب به گونه‌ای که درس عبرتی برای حکام دروغگو و جنایتکار اسرائیل باشد، فعال خواهد شد. / فارس

فعالیت دفاعی هرگز در دستور کار مذاکرات نبوده و نخواهد بود

وزارت خارجه در واکنش به بیانیه اتحادیه اروپا درباره ساز و کار حمایت از مبادلات تجاری ایران و اروپا با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد: همچنان که قبلاً نیز اعلام شده است موضوع فعالیت‌های دفاعی ایران صرفاً دفاعی، بازدارنده و بومی است و این موضوع هرگز در دستور کار مذاکره ما با دیگر کشورها نبوده و نخواهد بود. وزارت خارجه همچنین ضمن رد اتهامات اروپا در زمینه حقوق بشر و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران تاکید کرده‌است: جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواضع اتحادیه اروپایی ملاحظات و نقدهای جدی دارد. در این بیانیه درباره ساز و کار ایجاد شده از سوی اروپا برای حمایت از مبادلات تجاری با ایران نیز آمده است: مرتبط کردن اجرای این ساز و کار که از تعهدات ذاتی برجامی است، با الزامات نهادهایی چون اف.ای.تی.اف غیرقابل قبول است. / خبرگزاری صداوسیما

درخواست ۲۰ نماینده برای رسیدگی به اتهامات حسین فریدون

جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رئیس قوه‌قضاییه خواستار رسیدگی علنی به اتهامات حسین فریدون، برادر رئیس جمهور و همچنین رسیدگی به اتهامات برادر معاون اول رئیس جمهور شدند.

در این نامه آمده است: نظر به این‌که سخنگوی محترم قوه‌قضاییه در ۲۵ تیر ۹۶ و ۱۴ مهر ۹۶ به‌ترتیب بر اتهام آقایان حسین فریدون و مهدی جهانگیری برادران رئیس جمهور و معاون اول رئیس جمهور به فساد اقتصادی تأکید کردند و در طول یك سال و نیم گذشته افکار عمومی در انتظار تعیین تکلیف پرونده اتهامی این دو متهم بودند، انتظار می‌رود جنابعالی در ماه‌های پایانی خدمت در قوه‌قضاییه اجازه یا دستور فرمایید به پرونده متهمان فوق‌الذکر به صورت علنی رسیدگی شود تا اقدامات و مواضع جنابعالی در برخورد با فساد در افکار عمومی آمیخته با برخی ملاحظه‌کاری‌ها تلقی نشود. / تسنیم

باقری: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران کم‌هزینه هستند

سردار سرلشکر محمد باقری، رئیس ستادکل نیروهای مسلح با بیان این‌که ما باید نیروی مسلح کم هزینه‌ای برای کشور باشیم و این‌گونه هم هست، گفت: یك مقایسه با وضعیت دشمنان و کشورهای اطراف نشان می‌دهد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، کم‌هزینه بوده و برای دولت پرخرج نیستند. / میزان

ضرغامی: فیلترآن است که نگذارند حرفت را بزنی

عزت‌ا... ضرغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر این‌که کسی نیست که فضای مجازی را قبول نداشته باشد، عنوان کرد: فیلترینگ و عدم فیلترینگ یك دوقطبی خائنانه است؛ اگر نظام و دولت و مجلس، فضای مجازی را مدیریت کند این اسمش فیلترینگ نیست. ضرغامی افزود: فیلترینگ آن است که وقتی در یك جلسه تخصصی می‌خواهید حرفتان را بزنید، اجازه ندهند و تحمل یك نقد سازنده را در یك جلسه کارشناسی نداشته باشند؛ این فیلترینگ است، اما آن‌که ما می‌گوییم مدیریت کنیم کجایش فیلترینگ است؟ اینها باید روشنگری شود. / فارس

عکس: چاوش هماوندی جام جم

گفت‌وگوی جام جم با دکتر محمدجواد ایروانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

اگر در اقتصاد، انقلابی بودیم چالش‌های امروز را نداشتیم

مریم شریف‌زاده

سیاسی

در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب، نگاهی به سیاست‌های اقتصادی چهار دهه گذشته و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها می‌تواند راه را برای ادامه مسیر هموارتر کند. برای بررسی نقاط قوت و ضعف عملکرد انقلاب در عرصه اقتصاد، هیچ کس بهتر از دکتر محمدجواد ایروانی نیست. او که در سخت‌ترین دوران کشور در سال‌های دفاع مقدس، سمت مهم وزارت اقتصاد را عهده‌دار بود در سال‌های پس از جنگ از اولین افرادی بود که نسبت به اتخاذ سیاست‌های لیبرالی در اقتصاد هشدار داد و پیش‌بینی‌های او از عواقب این سیاست‌ها، یك به یك محقق شده است. دکتر ایروانی در سالیان اخیر در مجمع تشخیص مصلحت نظام عضویت داشته است. با او درباره دستاوردها و موانع پیشرفت انقلاب اسلامی گفت‌وگو کرده‌ایم.

اکنون در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، اگر ارزیابی‌ای از عملکرد آن داشته باشیم، به نظر شما مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی چیست؟

قبل از هر توضیحی در مورد دستاوردهای انقلاب اسلامی یك نکته اساسی و محوری وجود دارد که بی‌توجهی به آن موجب انحراف در نتیجه‌گیری می‌شود؛ برای یك ارزیابی علمی و منصفانه باید گفت اگر بتوانیم ۴۰ سال حرکت انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم این روش ما باید مبتنی بر واقعیات باشد و مستند باشد و نباید استاتیك باشد بلکه باید دینامیك و سیستماتیك باشد؛ زیرا همزمان با حرکت ۴۰ ساله انقلاب، بقیه جهان هم حرکت کرده و تحولات زیادی رخ داده است. برای این‌که بررسی ما به این مبانی متکی باشد باید در مرحله اول مقایسه‌ای بین وضع کشور در سال ۱۳۵۷ با وضعی که در حال حاضر وجود دارد داشته باشیم و در مرحله دوم برای این‌که بررسی‌مان جامع باشد باید مسائل محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی را هم لحاظ کنیم. به عنوان مثال وقتی می‌خواهیم شرایط کشور را با شرایط سایر کشورها مقایسه کنیم باید مسائلی مثل جنگ و تحریم‌های فعلی را که دشمنان از آن به عنوان تحریم‌های فلج‌کننده و عظیم‌ترین تحریم‌های تاریخ یاد می‌کنند در نظر داشته باشیم و نمی‌شود خودمان را با کشوری که با هیچ‌یك از این موارد مواجه نبوده مقایسه کرد. اینها قیاس مع‌الفارق است و باید به صورت جامع و با توجه به موانعی که پیش روی ایران وجود داشته، هر مقایسه‌ای را انجام داد.

انقلاب اسلامی مجموعه دستاوردهایی داشته است که می‌توان آنها را از منظرهای مختلف دسته‌بندی کرد. در این نگاه ما دستاوردها را از منظر راهبردی در ابتدا نگاه می‌کنیم و به دستاوردهای مبنایی و بنیادین می‌پردازیم که موجب تغییرات اساسی نه‌تنها در زیست‌بوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایران بلکه منطقه و حتی جهان شده است. شاید بتوان تاریخ صد سال اخیر را در دو دوره کاملا متفاوت قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی تحلیل کرد. انقلاب اسلامی یك تغییر پارادایمی در جهان ایجاد کرد.

پارادایم حکومت‌های سلطنتی، حزب‌سالارانه، کمونیستی، لیبرالیستی و... پاسخگوی نیازهای انسان عصر جدید نبوده و نیست و توان تحلیل، ارزیابی و نظریه‌سازی برای اداره جوامع دانش‌بنیان را ندارند و بن‌بست‌های متعددی پدید آورده و می‌آورند که سعی کرده و می‌کنند این بن‌بست‌ها را با هزینه‌های سنگین اجتماعی و فرهنگی و از طریق نظامی یا تحریم‌های اقتصادی حل کنند. مداخلات فاقد مبانی فلسفی صحیح جهان را آنچنان از توازن سیستمی خارج کرده است که مداخلات بعدی نه‌تنها منجر به حل مسائل بشر نمی‌شود، بلکه بر وخامت اوضاع و پیچیدگی مسائل خواهد افزود.

انسان در قرن بیست و یکم نیازمند راه نجاتی است که سوء کارکردهای ناشی از عدم توازن سیستمی را کنترل کند. به‌هم‌ریختگی در جهان بر اثر حاکمیت تفکرات لیبرالیستی به اوج خود رسیده است، آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بی‌توازنی‌های منطقه‌ای، جهان را به عرصه‌ای آشوبناك تبدیل کرده است که به خودی خود تولید مساله می‌کند. نیازمند الگویی هستیم که برای حکمرانی براساس تصویر صحیح ذات انسان، نیازهای بنیادین انسان، همبستگی انسان و طبیعت و هم‌راستایی آسایش و آرامش، طراحی شده باشد.

الگوهای حکمرانی برآمده بر مبنای فکری ناقص و یك جهته که یا آنچنان فردمحور می‌شوند که سیر قهقرایی طی می‌کنند یا آنچنان جمعگرا می‌شوند که حقوق فردی را نادیده می‌گیرند، الگوهایی که به ابعاد محدودی از انسان متمرکز می‌شوند و تصویر ناقصی از انسان دارند. الگوهایی که نگاه ناقصی به خط سیر زندگی انسان دارند و زندگی را در همین جهان مادی خلاصه می‌کنند و... همگی در رسیدن به وضع موجود که به اعتراف همگان وضع نامطلوبی در جهان است مسؤول هستند. ناکارآمدی الگوهای نامتوازن و جهت‌داری که تولید عدم‌توازن کرده‌اند و افراط و تفریط‌های رفتاری را پدید آورده‌اند، ثابت شده است. در چنین شرایطی انقلاب اسلامی الگوی نوپدیدی را ارائه کرده است. الگوی جمهوری اسلامی، برآمده از یك تفکر فلسفی و تاریخی است که ریشه در یك نظام فکری ۱۴۰۰ ساله دارد و برآمده از آموزه‌های وحیانی است. جمهوری اسلامی یك الگوی حکمرانی سیستمی است و اجرای سیستم را از سیستم مرجع تا خرده سیستم‌های حکمرانی بیان کرده است. این الگو، به انسان نگاهی الهی دارد و این نگاه برگرفته از آموزه‌های عالی است.

وقتی صحبت از دستاوردهای انقلاب می‌شود اغلب به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و... می‌پردازیم و دستاورد اصلی را که اتفاقا دلیل اصلی تهاجم دیگران است، فراموش می‌کنیم.

جمهوری اسلامی الگویی است که ظرفیت بسیار بالایی دارد و اگر جوامع امروزین دانش‌بنیان با آن آشنا شوند، به سوی آن تمایل ذاتی پیدا می‌کنند؛ چراکه منطبق با ذات انسان است و این گرایش ذاتی همان چیزی است که جبهه استکبار، استعمار و عناصر معاند و منافق از آن می‌ترسند و سعی دارند تصویری وارونه از جمهوری اسلامی ارائه دهند.

جمهوری اسلامی که براساس باور به انسان مختار و هدایت مبتنی بر بصیرت است را متهم به دیکتاتوری می‌کنند.

اصل ولایت فقیه را که بیان روشن به معنای رهبری عالمی انسان‌شناس و با شرایط احراز بسیار برجسته و عالی است وارونه جلوه می‌دهند. مردم‌سالاری دینی را که به معنای پذیرفتن حق تعیین سرنوشت در چارچوب الزامات الهی است، نادیده می‌گیرند.

با توجه به این‌که بی‌عدالتی‌ها و فقر در رژیم پهلوی یکی از ریشه‌های خیزش مردم در انقلاب اسلامی بود، در دوران ۴۰ نظام اسلامی، در این حوزه‌ها چه پیشرفتی حاصل شده است؟

در حوزه رفاه و بهره‌مندی جامعه که در پیوند با عدالت است، یکی از اهداف هر سیستم و الگوی حکومتی این است که رفاه را افزایش دهد و عدالت را برقرار کند. درآمد سرانه ما در ابتدای انقلاب اسلامی در سال ۵۷، ده هزار و ۸۰۰ دلار بود. مطابق آخرین آمار این مبلغ به ۱۶ هزار و ۳۹۵ دلار در سال ۹۶ رسید و رشد خوبی کرده است. باید توجه داشت، این رشد درآمد سرانه به‌رغم افزایش جمعیت ۳۶ میلیونی به جمعیت ۸۵ میلیونی است. البته شاخصی نیست که رفاه و پیشرفت را به‌خوبی نشان دهد. بر همین اساس است که جمهوری اسلامی پیشرفت را که به معنای توسعه به همراه عدالت است هدف‌گذاری می‌کند به جای آن‌که صرفا واژه توسعه را مطرح نماید. در دنیا برای ارزیابی این مؤلفه‌ها، شاخصی ترکیبی به نام شاخص توسعه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که علاوه بر درآمد سرانه، مسائلی از جمله آموزش، بهداشت و امید به زندگی را در برمی‌گیرد؛ زیرا ممکن است یك کشور رشد تولید داشته باشد، اما فقیرهای آن کشور نیز رو به افزایش باشند. این مساله‌ای است که در آمریکا با آن مواجه هستند و رشد اقتصادی دارند اما به اندازه کافی اشتغال ندارند و حدود ۲۰ درصد جامعه‌شان فقیر هستند. مطالعاتی که در انگلستان شده نیز همین پدیده را نشان می‌دهد یا در فرانسه که اوج جامعه مدنی را شاهد هستیم می‌بینیم که چه ناآرامی‌های عظیم اجتماعی مداوم و مستمر در شدیدترین شکل خود در اعتراض به وضعیت رفاهی رخ داده است. ضمن این‌که عنصر عدالت در عرصه سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است که قدرت انتخاب کردن و انتخاب شدن و مشارکت در تعیین سرنوشت از طریق انواع انتخابات نظیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شوراهای اسلامی شهر و روستا و نهادها و انجمن‌های صنفی و تخصصی را ارائه کرده است.

شاخص توسعه انسانی همان‌طور که اشاره کردید شامل چند زیرشاخص است. در این زیرشاخص‌ها وضعیت پیشرفت کشور چطور بوده است؟

ما در شاخص توسعه انسانی سال ۵۷ در رتبه ۱۱۰ بودیم اما الآن طبق شاخص بانك جهانی به رتبه ۶۲ رسیده‌ایم؛ ضمن این‌که طبق همین گزارش سریع‌ترین رشد در شاخص توسعه انسانی در دهه‌های اخیر را جمهوری اسلامی ایران داشته است. این در حالی است که هم جنگ داشته‌ایم و هم مشکلات ایذایی از جمله تحریم و... ایجاد شده است، اما با این وجود، این رشدها را داشته‌ایم. در کشور ما شاخص بهره‌مندی از سواد، از ۴۸ درصد به بالای ۹۰ درصد رسیده است. البته رشدهای جهشی هم دشمنان ما را می‌ترساند زیرا اگر تداوم داشته باشد حتما قدرت بزرگی سر برمی‌آورد و برای قدرت‌های استکباری مزاحمت ایجاد می‌کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین تحولاتی که در این حوزه می‌توان به آن اشاره کرد، انقلاب در آموزش است. آموزش در ایران بعد از انقلاب اسلامی به شدت گسترش پیدا کرد که این واقعیت را می‌توان بر اساس شاخص‌هایی که در این زمینه هست، لمس کرد. گسترش آموزش برپایه تدبیر افزایش بودجه‌های جاری کشور نتایج خودش را نشان داد و عملا موجب افزایش رتبه علمی کشور شد. دانشگاه‌های ما به شدت گسترش پیدا کردند و همین‌ها باعث شدند رتبه علمی ما بالاتر برود. رتبه ما در دانش از یکصد و پنجاهمین کشور جهان در سال ۵۷ به رتبه ۱۷ در شرایط حاضر رسیده و این چیز خیلی عجیبی است و موجب بهت دیگران شده است. بعد از مرحله دانش‌افزایی، گسترش فناوری و انقلاب در فناوری و ایجاد سازوکارهای تولید فناوری باید داشته باشیم. الآن حرکت خوبی شروع شده است اما این حرکت باید به تناسب رتبه علمی، شتاب بیشتری بگیرد. وقتی فناوری‌ها رشد پیدا کند تولیدات ملی ما با کاهش هزینه مواجه می‌شود و کارایی بالا می‌رود. تحقق این مساله باعث می‌شود تولیدات ما قدرت رقابت در عرصه جهانی را پیدا کنند و آن موقع تولید ثروت صورت می‌گیرد. همزمان با جهش آموزش و علم، وقتی فناوری با بخش‌های اقتصادی همراه شود اشتغال معطوف به دانش افزایش جهشی پیدا کرده و تولید ثروت خانوارهای ایرانی و در سطح کلان، تولید ملی و صادرات به شدت رشد خواهد کرد. ما در مرحله جهشی در این حوزه هستیم.

درست است که در حوزه آموزش، عدالت آموزشی را مطرح می‌کنیم ولی نتایج آن به حوزه اقتصاد و درآمد خانوارها تعمیم پیدا می‌کند. این همان بند اول سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که ناظر بر ارتقای گروه‌های متوسط و پایین و مشارکت آحاد جامعه در حوزه‌های اقتصادی است و این شاخص‌ها نشان می‌دهد در این ۴۰ سال ما چقدر جهش کرده‌ایم. در این زمینه وقتی خودمان را با دیگران هم مقایسه کنیم می‌بینیم سریع‌ترین رشد را در حوزه شاخص توسعه انسانی داشته‌ایم و به طور متوسط سرعت رشد علمی ما یازده برابر میانگین رشد علمی جهان است. این فقط یك جنبه از دستاوردها را نشان می‌دهد.

در زمینه بهبود توزیع درآمد چقدر توانسته‌ایم موفق عمل کنیم؟

طبق توضیحاتی که دادم، رشد شاخص توسعه انسانی به صورت کلان، رشد کشور را نشان می‌دهد. در ضریب جینی که شاخصی برای محاسبه وضعیت توزیع درآمد است، ما رشد خیلی خوبی داشته‌ایم. همان‌طور که می‌دانید ضریب جینی هرچه بالاتر باشد، نشان‌دهنده نابرابری بیشتر در توزیع درآمد در کشور است. ضریب جینی ما در قبل از سال ۵۷ از ۰/۴۹ هم بالاتر بود اما در سال‌های اخیر حتی به ۰/۳۷ هم رسیده است که بهبود خیلی خوبی داشته است. البته در دو سال اخیر در این شاخص افت داشته‌ایم. شاخص دیگر فاصله درآمدی ۱۰ درصد پردرآمدها و ۱۰ درصد کم درآمدهای جامعه است. فاصله ۱۰ درصد بالای جامعه به ۱۰ درصد پایین جامعه، در ابتدای انقلاب ۲۰ برابر بوده که الآن به ۱۴ برابر کاهش پیدا کرده یعنی فاصله فقیر و ثروتمند کمتر شده است. یکی از مسائلی که در مقایسه‌ها باید به آن دقت کنیم این است که ما متوسط کل ۴۰ سال را ارزیابی می‌کنیم. ممکن است در هر یك از این شاخص‌ها فراز و فرودی داشته باشیم اما مهم این است که وضعیت فعلی را بسنجیم؛ زیرا دولت‌ها می‌آیند و می‌روند و بالاخره هرکدامشان دستاوردها و ناکامی‌های خاص خود را دارند.

ضمن این‌که سبد مصرفی غذایی و کالاهای با دوام و دارایی خانواده‌های شهری و روستایی در این چهل سال اخیر طبق آمارهای رسمی به‌شدت توسعه پیدا کرده است نظیر؛ خودرو، تلفن همراه، دسترسی به اینترنت، یخچال، تلویزیون و... که اینها دیگر نشانه ثروتمند بودن نیست.

آقای دکتر با وجود پیشرفت‌هایی که ذکر کردید، هنوز در زمینه معیشت مردم با مشکلات حادی مواجهیم و در سال جاری این مشکلات به اوج خود رسیده و پیشرفت‌های کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. به نظر شما برای حل مشکلات معیشتی مردم و بهبود اوضاع اقتصادی، مهم‌ترین اقدامی که باید کرد چیست؟ آیا راه حل کوتاه‌مدت دارد؟

سیاستی که از سوی دولت در پیش گرفته شده این است که در حوزه‌هایی که به معیشت مردم و بهداشت و درمان مردم برمی‌گردد ارز ۴۲۰۰ تومان اختصاص داده و این کار درستی است. نباید با معیشت مردم بازی کرد اما نکته اینجاست که زنجیره تأمین و توزیع باید به صورت کامل دیده شود در شرایط کنونی سیستم‌ها در حوزه اجرا و نظارت منفعل هستند و از کارآمدی لازم برخوردار نیستند و بعضا می‌بینیم حتی مسؤولان در این حوزه‌ها نیز ادعایی در زمینه نظارت ندارند، یعنی این مساله را باور ندارند و کاری که در این حوزه‌ها صورت می‌گیرد بیشتر نظاره است تا نظارت؛ بنابراین راهکار کوتاه‌مدت این است که در حوزه نظارت، در همه اجزای سیستم تأمین و توزیع قوی عمل کنیم؛ کالاهای اساسی حتما باید با سیستم سهمیه‌بندی از طریق کارت‌های الکترونیك و کارت ملی با استفاده از سیستم‌های روزآمد توزیع شود. این سیستم‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های مویرگی براساس کد ملی و کد پستی این کالاها را عزتمندانه و در منزل تحویل دهند و قابل رصد کامل و پاسخ‌خواهی نیز هست. البته برخی دلالان از این‌که با کارت ملی، گوشت توزیع می‌شود به شدت گلایه می‌کنند. خب معلوم است که وقتی دلال‌ها به صورت تریلی، مایحتاج مردم را می‌برند باید با کارت ملی و البته به طریق عزتمندانه گوشت را توزیع کرد تا جلوی سودجویان گرفته شود؛ زیرا کالا وجود دارد اما توزیع، عادلانه نیست.

ادامه در صفحه ۳

ایروانی: درآمد سرانه ما ابتدای انقلاب اسلامی در سال ۵۷، ۱۰ هزار و ۸۰۰ دلار بود. مطابق آخرین آمار این مبلغ به ۱۶ هزار و ۳۹۵ دلار در سال ۹۶ رسید و رشد خوبی کرده است

مشکل معیشت مردم به خاطر آن است که دولت نظاره می‌کند به جای نظارت

سریع‌ترین رشد در شاخص توسعه انسانی در ۴ دهه اخیر را در سطح جهان جمهوری اسلامی ایران داشته است

مکث

لیبرال‌ها با شعار آزادسازی تجارت آزادسازی واردات را اجرا کردند

به گفته اکثر کارشناسان، در دولت‌های پس از دفاع مقدس، سیاست‌های لیبرالی در حوزه اقتصاد کشور اجرا شده است. این سیاست‌ها چقدر در عدم تحقق کامل اهداف انقلاب در حوزه عدالت نقش داشته است؟ البته این نکته قابل توجه است که همواره دو دیدگاه در اقتصاد ایران وجود داشته یك دیدگاه تمایل به توانمندی‌های داخلی و شکوفاسازی آنها دارد و یك دیدگاه تمایل به اقتصاد لیبرالی دارد و واردات‌محور بوده و هرکدام منشأ آثاری بودند. وضع موجود برآیند عملکرد این دو جریان است. طبیعی است که اگر نگاه انقلابی به‌طور کامل در اقتصاد بود چالش‌های امروز را نداشتیم. اقتصاد مقاومتی بیانیه تاریخی و طلایی جریان انقلابی در حوزه اقتصاد است.

در مقاطعی که شاهد تفوق لیبرال‌ها بر اقتصاد کشور بوده‌ایم عمدتا تفکر آزادسازی در عرصه تجارت خارجی بر کشور حاکم شده است.

لیبرال‌ها اولین کاری که می‌کنند این است که سیاست‌های تجاری را آزاد و دروازه‌ها را برای ورود کالای خارجی باز می‌کنند. بر اساس همین سیاست، واردات ما بعد از جنگ به شدت افزایش یافت و به بیش از دو برابر رسید. اسم این اقدام، آزادسازی تجارت خارجی بود اما بیشتر به آزادسازی واردات منجر شد. همه کشورهای جهان در این زمینه ملاحظاتی دارند. الآن خود آقای ترامپ می‌گوید من کاری به سازمان تجارت جهانی ندارم و جلوی واردات را می‌گیرم و مردم باید کالای آمریکایی مصرف کنند. بر همین اساس واردات از ژاپن و چین را محدود کرده است. همواره جنگی ناآشکار در عرصه تجاری میان کشورها در جریان است. البته الآن تا حدودی آشکار شده است؛ اما در ایران هر زمان اندیشه لیبرالی تفوق پیدا کرده است به شدت واردات را افزایش داده‌اند. مثلا واردات گروه ۱۰ کالایی (عمدتا کالاهای غیرضروری و لوکس) را که ممنوع شده بود ناگهان آزاد کرده‌اند؛ یعنی عرصه را برای ورود کالاهای غیرضروری باز می‌گذارند که هر چه می‌خواهد وارد شود؛ اما آیا در کشورهای دیگر این‌گونه است و مثلا در آلمان، فرانسه یا ژاپن اجازه می‌دهند که هر کالایی به راحتی وارد شود، اما ما در ایران می‌خواهیم سوپرمارکت کالاهای خارجی داشته باشیم و مرتب مصوبه می‌دهیم هر آنچه که در گمرك است ترخیص شود، اما از آنهایی که اینگونه مصوبات را می‌گذارند باید پرسید به چه مناسبت ما باید چنین کاری کنیم؟ می‌گویند چون پشت در گمرك مانده است! خب دلال‌ها هم همیشه پشت در گمرك منتظر مصوبه می‌مانند. بعد هم در مصوبات یك بحث خیلی عجیب و غریبی را مطرح می‌کنند که کالاها بدون انتقال ارز ترخیص شود. مگر کالا بدون انتقال ارز جابه‌جا می‌شود یا کسی مجانی کالایی را به دیگری می‌دهد؟! فشار اینگونه تصمیمات، بر تراز ارزی کشور تحمیل می‌شود.

مهم‌ترین مشکل در حوزه قیمت ارز و مسائل ارزی، فشار واردات است. هرگونه تسهیل در سیاست‌های واردات به مفهوم فشار بر ارز و بالا رفتن قیمت ارز است. ما از این مساله غفلت داریم و لیبرال‌ها می‌گویند سازوکار بازار، خودش را پیدا می‌کند و دست نامرئی در اقتصاد این کار را می‌کند، اما من معتقدم که اتفاقا این سیاست‌ها به تولید ضربه می‌زند و به منافع ملی و اشتغال آحاد جامعه لطمه وارد می‌کند.

ما از منابع ارزی کشور می‌توانیم و باید برای ایجاد و تقویت توان تولید داخل استفاده کنیم همانند آنچه در مدیریت تخصیص منابع ارزی محدود در زمان جنگ تحمیلی رخ داد یا بعد از جنگ که خودکفایی در عرصه لبنیات محقق شد. مساله واردات، محدود به آثار بر تراز ارزی و افزایش قیمت ارز نیست بلکه دامنه آن در بخش‌های مختلف ادامه دارد و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و انگیزه‌ها را کاهش می‌دهد.